

تکرو نباشیم در کار خداوند

یکی از ویژگی‌های بنیادین آموزش ارتدکسی آن است که «آموزشی جمعی» است. معنا این است که هیچ‌کس نمی‌تواند خود را کلیسا بداند؛ او تنها عضوی از یک پیکر است. و اگر از این پیکر جدا شود، همه چیز را از دست می‌دهد.

تفاوت «فرد» و «عضو» در همین است: فرد، موجودی جدا و مستقل است؛ اما عضو، پیوسته و وابسته به مرکزیت بدن است و هویت او تنها در مشارکت با جماعت معنا می‌یابد.

آیا می‌توان بدن را چنان فروکاست که تنها یک عضو باقی بماند؟ هرگز! در آن صورت دیگر بدنی وجود نخواهد داشت.

به همین قیاس، آیا می‌توان انسان را جدا از مشارکت کلیسایی تصور کرد، و او همچنان راه راست را بیپیماید؟ این خطایی بزرگ و خطری شدید است — هم بر خود او و هم بر کسانی که از او پیروی می‌کنند. کلیسا «اککلیسیا» یعنی جماعت؛ و فروکاستن آن به یک فرد، ویران کردن مفهوم بدن با اعضای متنوع و تکمیل‌کننده است.

پولس رسول، با آنکه مستقیماً از خدا دعوت شد و اصول ایمان را بی‌واسطه از خداوند دریافت کرده بود، و چهارده سال چون غولی در خدمت مسیح ایستاده بود، با تواضع نزد رسولان آمد و انجیل خود را بر آنان عرضه کرد، مبادا راهی که می‌دود بیهوده باشد (غلاطیان ۲: ۲). پس از گفت‌وگو با «ستون‌های کلیسا»، آنان به او و برنابا «دست مشارکت» دادند (غلاطیان ۲: ۹). این است روح جمعی کلیسا و مشارکت راستین!

هنگامی که رسولان با پرسش‌هایی روبه‌رو شدند، شورایی در اورشلیم تشکیل دادند تا هیچ‌کس بر اساس رأی شخصی خود اقدام نکند. پس از بررسی‌ها گفتند: «روح القدس و ما چنین صلاح دیدیم»...

روح القدس روز پنتیکاست بر کلیسا هنگامی نازل شد که «همگی با هم» در علیّه منتظر بودند. و حتی آنگاه که روح القدس فرمود: «برنابا و شائول را جدا کنید»، رسولان بی‌درنگ اقدام نکردند، بلکه روزه گرفتند، دعا کردند و بر آنان دست نهادند، سپس آنان را اعزام کردند (اعمال ۱۳: ۲-۳)

حتی پولس، همان که خداوند در راه دمشق بر او ظاهر شد، برای تعمیم و تعلیم به حنّیاه سپرده شد تا درون جماعت کلیسایی پذیرفته و تثبیت شود.

روح فردگرایی آفتی بزرگ است — هم برای شخص و هم برای پیروانش. در تاریخ هر بدعتی هنگامی شکل گرفت که فردی خود را از جماعت کلیسا جدا کرد و بر رأی خویش اکتفا نمود.

معلم ارتدکسی، با احساس تعلق به بدن کلیسا زندگی می‌کند. او تکروی نمی‌کند و اندیشه خود را بی‌مشورت و بی‌پیر بررسی نمی‌گذارد. افکار خود را بر پدر روحانی و جماعت عرضه می‌کند، نقد را با فروتنی می‌پذیرد، و با قلبی گشوده به گفتگو می‌آید. در اندیشه ارتدکس، هیچ‌کس معصوم نیست؛ همه در ضعفیم. از این رو رسول می‌گوید:

«برادران، بسیاری از شما معلم نشوید، زیرا معلمان داوری سخت‌تری می‌یابند؛ زیرا همه ما در بسیاری چیزها می‌لغزیم.» (یعقوب ۱: ۳)

خطرناک‌ترین وضعیت برای خادم آن است که حس شاگردی را از دست بدهد؛ گمان کند دیگر نیازی به آموختن و اصلاح ندارد.